



تحلیل مجتبی نامخواه، جامعه‌شناس

دیدار با جنبشی از آینده

جامعه‌شناسی اعتراض‌های سپرده‌گذاران: به سوی نسل جدیدی از جنبش‌های اجتماعی

- جامعه ما در حال تجربه گونه‌ای جدید و کم‌سابقه از کنش‌های اعتراضی جنبشی است.
چرا این اعتراض‌ها و مناسبات متعدد به‌طور عمده یا به‌طور کامل، از دایره بررسی‌های جامعه‌شناختی بیرون مانده است؟
بخشی از پاسخ را باید در این جست‌وجو کرد که تنها به‌عنوان یک نمونه، تا همین چندین روز پیش ریاست وقت انجمن جامعه‌شناسی در کنار برخی عناصر حزبی در پی اثبات جامعه‌شناختی اعتدال به‌مثابه شعار یک جریان سیاسی بوده و برای برپایی همایشی به این منظور تلاش می‌کرد.
تفوق اعتدال بر اعتراض و سیاست بر جامعه، نمی‌تواند با موضع محافظه‌کارانه، ثبات‌گرا و نفتی کنشگران علوم اجتماعی بی‌ارتباط باشد.



در یک سال اخیر در نقاط مختلفی از کشور، حرکت‌هایی اعتراضی از سوی سپرده‌گذاران برخی بانک‌ها و موسسات اعتباری صورت پذیرفته است. اگرچه هیچ‌یک قابل استنادی از این تجمع‌ها وجود ندارد و امکان به دست آوردن چنین آمار هم نیست، اما به احتمال زیاد این اعتراض‌ها از نظرهای گوناگونی همچون فراوانی، کمیت و پایداری از مهم‌ترین حرکت‌های اعتراضی یک سال اخیر در کشور بوده‌اند. به‌رغم این که مسئولان امر با تندترین تعابیر سعی می‌کردند سپرده‌گذاران را «طمع‌کار» خوانند و تجمع‌ها را سازماندهی شده و غیرواقعی بدانند؛ اگرچه مسئولان کوشیدند سپرده‌گذاران را به لحاظ حقوقی مقصر دانسته و به لحاظ اجتماعی طرد کنند؛ با وجود اینکه رسانه‌های رسمی و همچنین کنشگران و تحلیلگران اجتماعی این حرکت‌ها را نادیده گرفته یا انکار کرده‌اند؛ واقعیت این است که ما با نمونه‌هایی کاملاً ویژه از یک گونه جدید از حرکت‌های اجتماعی مواجهیم؛ با نسل جدیدی از اعتراض‌ها که می‌تواند جرقه‌ای باشد برای درک نسلی جدید از جنبش‌های اجتماعی. تجمع سپرده‌گذاران اگرچه از «اعتراض‌های پراکنده» و «شخصی‌صفتی» آغاز می‌شود اما اگر دقیق‌تر شویم گونه‌ای بدیع از اعتراض‌ها و حتی جنبش‌های «اجتماعی» را می‌بینیم که متولد شده و احتمالاً بتوانند ادامه داشته باشند. این یادداشت می‌کوشد ابعادی از این پدیده را تا حدودی تشریح کند.

هوادار دولت بیشتر ترجیح می‌دهند در این زمینه سکوت کنند. با این حال نسبت این حرکت‌ها با امر سیاسی فراتر از ساده‌سازی‌های قالبی رسانه‌های وابسته به احزاب و لابی‌های مختلف شکل می‌گیرد.

جنبش‌های نسل سوم و تحلیلگران جامعه‌شناسی

جامعه ما در حال تجربه گونه‌ای جدید و کم‌سابقه از کنش‌های اعتراضی جنبشی است. حرکت‌هایی که از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبش‌های اعتراضی برخودار است. با این حال چرا این اعتراض‌ها و مناسبات متعدد به‌طور عمده یا به‌طور کامل، از دایره بررسی‌های جامعه‌شناختی بیرون مانده است؟ بخشی از پاسخ را باید در این جست‌وجو کرد که تنها به‌عنوان یک نمونه، تا همین چندین روز پیش ریاست وقت انجمن جامعه‌شناسی در کنار برخی عناصر حزبی در پی اثبات جامعه‌شناختی اعتدال به‌مثابه شعار یک جریان سیاسی بوده و برای برپایی همایشی به این منظور تلاش می‌کرد. تفوق اعتدال بر اعتراض و سیاست بر جامعه، نمی‌تواند با موضع محافظه‌کارانه، ثبات‌گرا و نفتی کنشگران علوم اجتماعی بی‌ارتباط باشد. اعتراض سپرده‌گذاران بانکی اگرچه به ظاهر یک مسأله مالی و بانکی است اما در واقع رویه دیگری سکه نابرابری در توزیع منابع عمومی است. بی‌آن که بخواهیم به فرد یا جریان خاصی اشاره کنیم باید گفت این کاملاً طبیعی است منتفعان از این نابرابری در توزیع ثروت، به‌منظور تثبیت رانت‌های نفتی و غیرنفتی خود بکوشند نهادهای رسانه‌ای و تحلیلی را وامدار خود کنند. به احتمال زیاد بخش عمده‌ای از این سکوت رسانه‌ای جامعه‌شناختی به دلیل فرآیند مدیون شدن باشد. برخورداران از رانت‌های توزیع شده یا بازتوزیع بخشی از ثروت حاصله‌شان در میان کنشگران رسانه‌ای و تحلیلگران علم اجتماعی، می‌کوشند آنها را از بازتاب دادن این اعتراض‌ها در تحلیل‌هایشان باز دارند. این کوشش در مورد رسانه‌ها که اغلب ماهیت یا منفعت مداوم دولتی دارند گاه صورتی از تهدید را نیز به خود می‌گیرد.

وقتی در اوایل دهه هشتاد، مدیران اقتصادی... برای ایجاد بانک خصوصی، متن طرح قانون اساسی را نادیده می‌گرفتند، پیامدهای اجتماعی‌ای را که یک و نیم دهه بعد این اقدام‌شان به بار خواهد آورد، حدس نمی‌زدند. در این صورت شاید در روی آوردن به الگوها و نهادهای اقتصاد سرمایه‌داری کمی احتیاط بیشتری می‌کردند

جنبش‌های نسل سوم و سیاست

پرسش دیگر این است که حرکت‌های اعتراضی چه نسبتی با امر سیاسی دارند؟ همان‌طور که در بخش‌های قبلی تر گفته شد این حرکت‌ها از خاستگاه حق خصوصی برخاسته و پیگیری آن را مدنظر دارند. این معطوف به هدف بودن‌شان باعث شده کمتر نسبت به شکاف‌های سیاسی موجود موضع معناداری داشته باشند. نوع جهت‌گیری این حرکت‌ها، مشخصه بودن طبیعتی جریان‌های سیاسی و دوگانه‌هایی از قبیل اصول‌گرا اصلاح‌طلب را به رخ می‌کشد. با این حال این به معنای سیاست‌زدایی شدن این جریان‌ها نیست. آنها درباره‌ی وجوه مختلف امر سیاسی، همچون توزیع قدرت و تأثیر توزیع ثروت از توزیع قدرت و دیگر مسائل اقتصاد سیاسی و همچنین کارآمدی ساختارها و مدیران اقتصادی و قضایی، حرف‌ها و نقدهای متعددی را مطرح می‌کنند. تحصن ۳۳ روزه جمعی از این سپرده‌گذاران در مقابل ساختمان شماره ۲ قوه قضاییه

مباحث حول اقتصاد مقاومتی نیز به گونه‌ای تقریری می‌شود که از آن مقاومت در برابر سرمایه‌داری داخلی برداشت شود. در این رزکود فراگیر ناشی از سیاست‌زدگی و محافظه‌کاری، این جنبش‌های نسل سوم هستند که صریح‌ترین و پیشروترین هشدارها را درباره فرابت احتمالی جمهوری اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری مطرح می‌کنند

فرجام سخن

هرچه هست نمی‌توان فارغ از تأمل درباره ماهیت متفاوت اعتراض‌های اخیر به سر برد. حرکت‌هایی که اگرچه مانند جنبش‌های گذشته ایدئولوژی ندارند ولی حق و مالکیت شخصی آنها را به سازماندهی، تحلیل و کنش‌های مشترکی رسانده است. در جامعه و زمانه‌ای که ثروت‌مداری لجام‌گسیخته پدیده بانک‌های خصوصی بدون مجوز را می‌آفریند، طبیعی است حرکت‌های اعتراضی جنس متفاوتی بیابند، رسانه‌های محافظه‌کار احساس خفگی می‌کنند؛ کنشگران اجتماعی و دینی بی‌تفاوت می‌گذرند اما کنش‌های اعتراضی، مهم‌ترین مسیر در قدسی شدن یک جامعه است؛ آن چنانکه مولایمان امیرالمومنین علیه‌السلام در نامه خود به مالک اشتر نوشت: «فَإِنَّ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ فَيُغَيِّرُ مَوْطِنَ لَيْنٍ تَقْدِسَ أُمَّةٌ لَا يُؤَخِّدُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقَّهُ مِنْ الْقَوَى غَيْرَ مُتَمَتِّعٍ».

نشود. در این رزکود فراگیر ناشی از سیاست‌زدگی و محافظه‌کاری، این جنبش‌های نسل سوم هستند که صریح‌ترین و پیشروترین هشدارها را درباره فرابت احتمالی جمهوری اسلامی و اقتصاد سرمایه‌داری مطرح می‌کنند. حتی اگر روحانیت، حرکت‌های دانشجویی و دیگر کنشگران اجتماعی، به دلیل محافظه‌کاری فراگیر، این معترضان را تنها بگذارند. یک دهه بعد که اغلب موضوعات سیاسی و سیاست‌زده اما داغ این روزها به فراموشی سپرده می‌شود، اهمیت هشدارها و معانی نقادانه این جنبش‌ها بیشتر و بهتر روشن خواهد شد.

جنبش‌های نسل سوم و رسانه‌ها

در جنبش‌های نسل سوم نیز مانند اغلب جنبش‌های متاخر اینترنت و شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی دارد. آنها به خوبی از این رسانه‌ها برای برقراری ارتباط و انتقال پیام بهره می‌جویند. در میان انواع شبکه‌های اجتماعی آنها بیشتر به نرم‌افزار پیام‌رسان موبایلی گرایش دارند. بررسی پیام‌های موجود در چند گروه و کانال مرتبط با این حرکت‌ها نشان می‌دهد بدنه فعال این حرکت اغلب مردم عادی هستند که بیشتر از بازتابی زندگی‌شان در اینستاگرام یا تولید جملاتی به سبک بزرگان در توئیتر، علاقه‌مندند حرکت و کنش اجتماعی خود را پوشش بدهند. تجربیات‌شان را منتقل کنند و حاصل مطالعات راهگشای‌شان در زمینه امکان‌های قانونی و ارتباطی بازپس‌گیری حق‌شان را به اشتراک بگذارند. اینستاگرام طبقه متوسط به بالا و مرفه محل بازتابی بهره‌کاربران از سرمایه و ثروت اقتصادی است؛ توئیتر طبقه متوسط و تحصیلکرده بیشتر محل انتشار جملاتی حاکی از سرمایه‌خرد و دانشی است که این طبقه برای خود قائل است. این حرکت‌های اعتراضی اما بخشی از طبقه متوسط و طبقه محروم رسانه‌ها و تنها برای تمرکز بر کنش اجتماعی خود می‌خواهد و این به اعتراض‌های مذکور کمک می‌کند که بیشتر از دیگران رسانه‌ها را برای بسط خود استفاده کنند.

نحوه کاربرد رسانه در این جنبش‌ها نیاز به مطالعه بیشتر دارد اما اجمالاً این ویژگی در اغلب پست‌های‌شان پدیدار است که آنها بیشتر از تولید پیام رسانه‌ای با هدف ترویج خود-ایده‌های‌شان، در پی پیشبرد کار خودشان در مسیر دریافت حقوق‌شان هستند. برخلاف جنبش‌های نسل اول که اغلب در پی بازتولید خود-آگاهی طبقاتی در رسانه‌های پرچم (کتاب‌های فکری، رمان و جزوه) بودند؛ برخلاف جنبش‌های نسل دوم که در پی انتشار پیام‌های اجتماعی فرهنگی و بازتابی جنبش‌شان در رسانه بودند، هدف اولیه جنبش‌های نسل سوم معطوف به پیشبرد مسیر خودشان در کسب حقوق‌شان است. رسانه‌های کلان و نیمه‌رسمی اما با محافظه‌کاری تمام این حرکت‌ها را نادیده می‌گیرند. اگرچه ممکن است گاهی برخی اعتراضات را «گزارش» کنند اما این رساله‌ها هیچ‌گاه به سمت و سوی «روایت» کلیت این جنبش‌ها پیش نمی‌روند. منظور از رسانه‌های رسمی در اینجا سایت‌ها و خبرگزاری‌های معتبر و همچنین صدا و سیماست. چرا اقدامات متعدد این حرکت‌ها در رسانه‌ها نادیده گرفته می‌شود؟ بخشی از این دلایل امنیتی و سیاسی است. چندین پیش‌یک روزنامه‌نگار با محافظه‌کاری صریح در یکی از صفحه‌های اجتماعی خود نوشت: «هیچ‌وقت در کار رسانه این‌طور احساس خفگی و شرم نکرده بودم؛ ما با باخترگان کاسپین، ثامن الحجج و افضل توسل التماس می‌کنند در‌شان را انعکاس دهم، نمی‌توانم». تهدید به خفگی بخشی از این رسانه‌ها به ناتوانی در بازتاب مسائل این جنبش‌ها کشیده است.

اعتماد به بانک یا دست‌کم بانک‌های خصوصی را فریاد می‌زند. هیچ پایشی از میزان اعتماد عمومی به بانک‌های خصوصی وجود ندارد، همچنان که به علت گسترش بی‌رویه بانک‌های خصوصی، مردم به‌رغم بی‌اعتمادی به این بانک‌ها کمتر گزینه جایگزینی در اختیار دارند. با این حال به روشنی می‌توان مدعی شد جنبش‌های نسل اول و دوم، این میزان از استدلال‌های موثر در زمینه یک موضوع، و در این‌جا ناآرامی نظام بانکی را نه در طول یک سال، بلکه در طول یک دهه هم نمی‌توانستند در جامعه منتشر کرده و به‌معرفتی اجتماعی تبدیل سازند. علاوه بر معانی‌ای که مردم از این جنبش دریافت کرده‌اند، مسئولان دولتی هم در عداد مخاطبانی هستند که پیام‌های متعددی را از این حرکت دریافت کرده یا خواهند کرد. ناآرامی برای مدیران محافظه‌کار یک خط قرمز است. آنها به آرامش جامعه به نحوی

هستند کسانی در سطوح مدیریت عالی وزارتخانه‌ها که به صراحت از اقتصاد سرمایه‌داری دفاع کرده و آن را تنها راه حل مشکلات اقتصادی کشور می‌دانند. اعتراض‌های متعدد سپرده‌گذاران با هر زمینه و شماری، در مقدمه خود یک اصل محوری را احمل می‌کند: نهاد‌های اقتصاد سرمایه‌داری همچون بانک، علی‌رغم شعارهایشان، هیچ اهمیتی برای مالکیت خصوصی قائل نیستند

اعتیادوار علاقه نشان می‌دهند و حتی حاضرند این آرامش را از راه رزکود فراگیر به دست بیاورند. هر اعتراضی مدیران محافظه‌کار را به هراس و تکلیف می‌اندازد. محافظه‌کاران اگرچه آدم‌های دوراندیشی نیستند اما عمیقاً به رفح و رجوع مسائل اکنونی‌شان علاقه دارند. وقتی در اوایل دهه هشتاد، مدیران اقتصادی و... برای ایجاد بانک خصوصی، متن طرح قانون اساسی را نادیده می‌گرفتند، پیامدهای اجتماعی‌ای را که یک و نیم دهه بعد این اقدام‌شان به بار خواهد آورد، حدس نمی‌زدند. در این صورت شاید در روی آوردن به الگوها و نهادهای اقتصاد سرمایه‌داری کمی احتیاط بیشتری می‌کردند. این اعتراض‌ها اگرچه نمی‌توانند فرآیند موجود را اصلاح کنند اما شاید بتوانند برخی مسئولان دولتی را در هنگام دیدن به سمت و سوی اقتصاد سرمایه‌داری، کمی به فکر فرو ببرد. هشدار به مسئولان جمهوری اسلامی در ارتباط با میل فرآینده به اقتصاد سرمایه‌داری معنا و پیامی است که دست‌کم در حال حاضر، در هیچ حرکت اجتماعی دیگری بازتولید نمی‌شود. برخی اقتصاددانان با صراحت تمام به مسئولان جمهوری اسلامی توصیه می‌کنند که به تغییر قانون اساسی فکر کنند تا بتوانند از بند آخرین مقاومت‌ها در برابر اقتصاد سرمایه‌داری عبور کنند. جنبش‌های اجتماعی، دانشجویی و زیست‌محیطی متعددی در حاشیه تمایل ساختارمند برخی مسئولان موثر به اقتصاد سرمایه‌داری، درباره برخی معضلات فرعی واکنش نشان می‌دهند؛ روحانیت دعوت امام خمینی برای مقابله با اقتصاد سرمایه‌داری را پاسخ چندانی نمی‌دهد؛ بعید است کسی پیدا شود که یک خطبه نماز جمعه یا سخنرانی مذهبی را به یاد بیاورد که حتی در حد لفظ و شعار، به تکثیر کنونی ناشی از اقتصاد سرمایه‌داری تاخته باشد. بحث‌ها اغلب حول مسائل سیاسی است و در میان معهود صداها و حرکت‌های اجتماعی موجود، کسی کلیت حرکت به سمت اقتصاد سرمایه‌داری را نقد نمی‌کند. حتی مباحث حول اقتصاد مقاومتی نیز به گونه‌ای تقریری می‌شود که از آن مقاومت در برابر سرمایه‌داری داخلی برداشت

اینستاگرام طبقه متوسط به بالا و مرفه محل بازتابی بهره‌کاربران از سرمایه و ثروت اقتصادی است؛ توئیتر طبقه متوسط و تحصیلکرده بیشتر محل انتشار جملاتی حاکی از سرمایه‌خرد و دانشی است که این طبقه برای خود قائل است. این حرکت‌های اعتراضی اما بخشی از طبقه متوسط و طبقه محروم رسانه‌ها و تنها برای تمرکز بر کنش اجتماعی خود می‌خواهد

می‌کند: نهاد‌های اقتصاد سرمایه‌داری همچون بانک، علی‌رغم شعارهایشان، هیچ اهمیتی برای مالکیت خصوصی قائل نیستند. اگرچه این گزاره، باوری به نسبت عمومی است که در تحلیل افکار عمومی از نرخ بالای سود و نوع قرارداد‌های بانکی، قرارداد‌های بیمه و مانند آن قابل مشاهده است اما فریاد زدن این باور در هر کوی و برزن، از ابتکارات معنایی این گونه جدید از حرکت‌های اجتماعی است. این حرکت‌ها بیش از هر کتاب یا نظریه‌ای، به طرز بی‌سابقه‌ای، اعتماد عمومی به بانک‌ها و دست‌کم بانک‌های خصوصی را فرو ریخته است. تجمع‌ها و تحصن‌های متعدد، بسان استدلال‌هایی ایستاده با زبانی مملو از آلمان‌های حاوی همدردی، تجربه ناکامی ناشی از



تجمع مال باخترگان جلوی ساختمان قوه قضائیه و تظلم خواهی



تجمع مال باخترگان بانک‌های خصوصی در نمایشگاه مطبوعات



اعتصاب غذا جلوی شعب یکی از بانک‌های خصوصی



تجمع مال باخترگان کفن پوش جلوی در اصلی بانک مرکزی